**معنای "در"جهنمی که در ماه مبارک رمضان بسته است!!**

**آیا واقعا در این دنیا شیاطینی هستند مستقل از ما که تا قبل از ماه رمضان همه آزادند و هر جا که بخواهند می روند و هر کاری که بخواهند می کنند ، ولی ماه رمضان که شروع می شود همه آنها را می گیرند و تحت الحفظ به زندان می برند و در آن جا محبوس می سازند ؟ یا این که واقع امر خیلی بالاتر از این گونه تصورات و توهمات ابتدایی است ؟**

**طبق فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ماه مبارک رمضان درهای بهشت باز و درهای جهنم بسته و شیاطین در حبسند ، باید ببینیم و تامل کنیم که مراد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این سخنان چیست ؟ آیا همان طور که در بدوامر تصور می شود بهشت ، باغ یا قصری مانند همین باغ ها و قصرهای دنیا بادرهای بزرگ آن چنانی است که تا قبل از ماه رمضان درهایش بسته است ، ولی به مجرد ، آغاز ماه مبارک رمضان خداوند دستور می دهد آنها را به روی بندگان مۆمنش بگشایند تا داخل شوند ؟**

آیا جهنم ، جایی است مثل شکنجه گاه های دنیا ، دارای درهای کذایی که تا قبل از ماه رمضان درهایش باز ولی به مجرد شروع شدن ماه رمضان ، آنها را به دستور خداوند می بندند و [مثلا] اگر کسی بخواهد به جهنم برود با درهای بسته مواجه می شود ؟

آیا واقعا در این دنیا شیاطینی هستند مستقل از ما که تا قبل از ماه رمضان همه آزادند و هر جا که بخواهند می روند و هر کاری که بخواهند می کنند ، ولی ماه رمضان که شروع می شود همه آنها را می گیرند و تحت الحفظ به زندان می برند و در آن جا محبوس می سازند ؟ یا این که واقع امر خیلی بالاتر از این گونه تصورات و توهمات ابتدایی است ؟

بهشت و جهنم چیزی نیستند جز ظهور اعمال انسان ؛ عذاب ها و آلام جهنم چیزی نیستندجز بازگشت نفس اعمال بد آدمی به آدمی و نیز تنعمات بهشت چیزی نیستند جز رجوع نفس اعمال نیک انسان به انسان ، و به عبارت دقیق تر بهشت و جهنم هرگزاز انسان جدا نیستند و آدمی نیز هرگز از بهشت و جهنم بریده نیست . انسان اگرسرا پا غرق در طاعت و بندگی خدا باشد ، او خود بهشت است و اگر خدای ناکرده غرق در گناه و عصیان باشد ، او خود جهنم است .

این را میدانیم که محصور کردن حقیقت معنا در یک قالب ، کاری است خطا و محکوم به تفریط ، عدم شناخت مورد استعمال لفظ و سرایت دادن احکام صورت هایی که با آن تناسبی ندارند ، کاری اشتباه و محکوم به افراط است و هردو عمل ، مصداق خروج از حد اعتدال و انحراف از صراط مستقیم اند .

طبق فرموده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آن جا که فرمود : « انا معاشر الانبیاء امرناان نکلم الناس علی قدر عقولهم »(1)انبیا و اولیا - صلوات الله علیهم اجمعین – مامور بوده اند در خور فهم مردم سخن بگویند ..

بی شک ، کسانی که اهل ظاهرند و از امور به قشر آنها بسنده می کنند ، ازسخنان انبیا و اولیا علیهم السلام چیزی جز معانی ظاهری - که نسبت به حقایق معانی قشراند - ادراک نمی کنند . بر خلاف آنان که از ظاهر گذشته و در علم قدمی راسخ دارند ، چنین کسانی قشرها را نردبان معرفت خویش قرار می دهند و بدین وسیله به آسمان ارواح معانی عروج و به حقایق آنها دست می یابند .

**پر دلی باید که بار غم کشد**

**رخش باید تا تن رستم کشد**

شریف ترین انسان و عزیزترین انبیا و خاتم رسولان صلی الله علیه و آله و سلم با مرکز حکمت و فلک حقیقت و خزینه عقل امیر المۆمنین علیه السلام چنین فرمود:

یا علی : اذا رایت الناس یتقربون الی خالقهم بانواع البر ، تقرب الیه بانواع العقل تسبقهم . و این چنین خطاب جز با چنو بزرگی راست نیامدی که او در میان خلق آن چنان بودکه معقول در میان محسوس . **گفت : یا علی ! چون مردمان در کثرت عبادت رنج برند ، تو در ادراک معقول رنج بر تا بر همه سبقت گیری** . لا جرم چون به دیده بصیرت عقلی مدرک اسرار گشت همه حقایق را دریافت و دیدن یک حکم دارد که گفت : لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا (2)

حال که با اصول و امهات یاد شده آشنا شدیم، وقت آن رسیده است که حقیقت معنای « در » را بدانیم و بدین ترتیب کم کم به فهمیدن مراد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک گردیم که فرمود :

« **ای مردم به درستی که در ماه رمضان درهای بهشت باز است ، پس از پروردگارخویش بخواهید که آنها را به رویتان نبندد و درهای جهنم بسته است ، پس از اوبخواهید تا آنها را به رویتان باز نکند و شیاطین در حبسند ، پس از او بخواهید که آنها را بر شما مسلط نسازد** » .

لذا گوییم : روح و حقیقت معنای « در » که موضوع له واقعی آن است ، عبارت است از مطلق چیزی که راه وصول به مقصدی است و بدون آن نمی توان به مطلوب دست یافت .

بی شک ، این حقیقت را صورت ها و قالب های متعددی است و هر کدام ازآنها مخصوص است به موردی خاص ، همراه با احکام و خصوصیات ویژه ، که جهت آشنا شدن با ویژگی های هر یک از آنها ، شناخت مورد و صورت مناسب بامورد ، لازم و ضروری است .

شایع ترین و معروف ترین صورت حقیقت مزبور نزد عموم مردم همین « در » متعارفی است که راه ورود به ساختمان ها و قصرها و باغ ها و خانه ها و سایر ابنیه مادی است ، و بر اثر همین شیوع و معروفیت است که اکثر اذهان ، با شنیدن لفظ « در » بدان منصرف می شوند ؛ ولی در عین حال نباید از این نکته غفلت کرد که صورت یاد شده فقط مصداق و قالبی از قالب های متعدد حقیقت معنای « در » است ، نه تنها قالب منحصر به فرد آن . بنابراین ،**نباید لفظ « در » را در همه مواردبر همان صورت متعارف و معهود حمل کرد ، بلکه باید دانست که در هر چیزی مناسب با همان چیز است و نمی توان خصوصیات مربوط به یک مورد را به دیگر موارد کشاند** .

بنابر این ، وقتی که از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای ما نقل می شود که آن جناب درباره علی بن ابی طالب علیهما السلام فرمود : « انا مدینة العلم و علی بابها ؛ (3) من شهر علم هستم و علی دروازه آن است » بدون آن که فرمایش آن جناب را حمل بر مجاز کنیم یا - العیاذ بالله - برای حضرت وصی علیه السلام قیافه و هیئتی شبیه دروازه های متعارف فرض نماییم ، سخن نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را تصدیق کرده و می گوییم : مراد آن حضرت این است که هر کسی بخواهد از علوم و معارفی که نزد من است بهره مند شود ، نخست به خدمت علی علیه السلام در آید و از طریق او به علوم من پی ببرد و نیز وقتی که گفته می شود حضرت امام موسی بن جعفر الکاظم علیهما السلام باب الحوائج الی الله است ، بدون آن که لفظ « باب » را حمل بر معنای مجازی یادرهای متعارف و معمولی کنیم می گوییم : مراد این است که هر کس بخواهدخداوند حوایج او را بر آورد باید به حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام متوسل شود وبا وساطت آن جناب ، به مطلوب خویش دست یابد .

**حال به وضوح پیداست که روح و حقیقت معنای در ( مطلق چیزی که راه وصول به مقصدی است ) در این مثالهاموجود است ، لیکن در صورت های مختلف و قالب های گوناگون ، و نیز تصدیق خواهی کرد که نه وحدت حقیقت یاد شده با تکثر وتخالف قالب ها منافاتی دارد و نه کثرت و تخالف قالب ها به وحدت آن حقیقت خللی وارد می کند .**

**پی نوشت ها :**

1 . « ما پیامبران ماموریم در خور عقل مردم سخن بگوییم . » کلینی ، اصول کافی ، ج 1 ، ص 18 .

2 . ابو علی سینا ، رساله معراجیه ، ص 14 .

3. مجلسی ، بحار الانوار ، ج 40 ، ص 201 .